

درآمدی بر زیرساخت مطبوعاتی انقلاب مشروطه

چگونگی شکل‌گیری، ویژگی‌ها، کارکردها و آسیب‌ها

بهرام جبارلوی شبستری

منبع: مجله آموزه، شماره ۶

مقدمه

تغییر اجتماعی^(۱) فرایندی است که طی آن در ساختار^(۲) و کارکرد^(۳) يك نظام اجتماعی^(۴) دگرگونی به وجود می‌آید و انقلاب^(۵) یکی از فرازهای مهم تغییر اجتماعی به شمار می‌رود.^(۶)

هورتن (۱۹۸۴ م)^(۷) انقلاب اجتماعی^(۸) را يك تغییر ناگهانی، سریع، غیر معمولی و شدید يك نظام اجتماعی می‌داند، و شورمان^(۹) و شل^(۱۰) انقلاب را چنین تعریف کرده‌اند:

حذف يك نظم قدیمی، يك نظام سیاسی کهنه، يك فرهنگ سنتی، يك اقتصاد غیر خلاق، يك طبقه حاکم که فقط استثمار می‌کند و يك نظام سازمان‌بندی اجتماعی که دیگر آدمیان را ارضا نمی‌کند.

هانتینگتون^(۱۱) نیز، در تعریف انقلاب می‌گوید:

يك انقلاب، متضمن تغییرات شدید، کامل و سریع در ارزش‌ها،^(۱۲) ساخت اجتماعی، نهادهای سیاسی، خط مش‌های حکومتی و رهبری سیاسی اجتماعی است.^(۱۳)

در این میان یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های جنبش‌ها و انقلاب‌های اجتماعی، آفرینش ارزش‌های جدیدی می‌باشد که در گذشته، دست کم به صورت بارزی مطرح نبوده است و تلاش برای همگانی شدن این ارزش‌ها با شروع انقلاب آغاز می‌شود.^(۱۴) به عبارت دیگر، برای وقوع هر انقلابی، وجود شرایطی عینی و ذهنی و زمینه‌های مناسب ضرورت دارد؛ ولی کافی نیست. علاوه بر این عوامل، ایده‌های نو و ایدئولوژی انقلابی نیز، باید شکل بگیرد تا نه تنها تبیین‌کننده شرایط نابسامان موجود باشد، بلکه اهداف و آرمان‌های انقلاب را مشخص کند و امید پیروزی و شوق ایجاد وضع بهتری را در دل مردم برافروزد.^(۱۵)

جامعه ایران هم به فاصله حدود هفتاد سال بعد از پیروزی انقلاب مشروطه در دوره دوم خود (۱۲۸۸ ش / ۱۹۰۹ م) و خلع محمدعلی شاه قاجار از سلطنت، دوباره در شرایطی قرار گرفت که مسیر تاریخ کشور را تغییر داد. هر دو انقلاب به فرار شاه منتهی شدند و دولت موقتی به سر کار آمد و هر دو انقلاب مورد هجوم قوای ارتش همسایه قرار گرفتند؛^(۱۶) از این رو شناخت، تحلیل و تبیین انقلاب مشروطه به دلیل تشابه وقایع جوامع انسانی و پیامدهای ناشی از آن، می‌تواند آموزه‌های ذی‌قیمتی برای همگان - بویژه سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان - داشته باشد.

چنان چه مقام معظم رهبری در این زمینه می‌گویند:

یکی از چیزهایی که انسان از رسانه توقع دارد، این است که از حوادث گذشته برای توضیح تهدیدهای آینده و حوادث در شرف تکوین استفاده کند و مردم را نسبت به آنها حساس کند. قضایای جوامع انسانی و جهانی، حقیقتاً مشابه‌اند؛ چون با همه تغییری که در وضع زندگی انسان‌ها به وجود می‌آید، عوامل تأثیرگذار حقیقی در زندگی انسان‌ها همیشه چیزهای معینی است. "سنت الله" که در قرآن می‌بینید، همین است. "و لن تجد لسنة الله تبدیلاً"، "و لن تجد لسنة الله تحویلاً" همین‌هاست؛ یعنی سنت‌هایی وجود دارد و تبدیل‌ها و تحولاتی به وجود می‌آید؛ مثلاً امروز قضایای مشروطه برای ما کاملاً قابل درس‌گیری و درس‌آموزی است... امروز که نگاه می‌کنم، می‌بینم که این قضایا و حوادث خیلی به هم نزدیک است. همچنین عوامل در انقلاب‌های گوناگون دنیا؛ مثلاً انقلاب کبیر فرانسه یا انقلاب‌های دیگر، مشابه است.^(۱۷)

سرانجام در دوران سلسله قاجاریه - بویژه در دهه‌های پایانی قرن نوزدهم و سال‌های آغازین قرن بیستم - عکس‌العمل نخبگان و مردم در برابر پیشرفت‌های صنعتی، اجتماعی و سیاسی غربی‌ها که برای مشرق زمین همراه با استعمار بود، در سه گروه کلی تقسیم‌بندی می‌شد: ۱. مسالمت‌آمیز و شیفته گرایانه؛ ۲. مقاومت جویانه و طرد کننده؛ ۳. بیدارگرایانه و اتحادخواهانه.^(۱۸) این عکس‌العمل‌ها که از زمینه‌های فکری داخلی - ملهم از آموزش‌های ضد استبدادی و ضد استعماری اسلام - و همچنین زمینه‌های فکری خارجی - ملهم از اندیشه‌های قانون‌گرایی غرب - متأثر بودند، توانستند زمینه عرضه داشت‌های فرهنگی، فکری و جریان‌های مهم مردمی، مانند جنبش تنباکو و انقلاب مشروطه (دوره‌های اول و دوم) را فراهم کنند.^(۱۹)

انتشار نخستین روزنامه در ایران به عنوان يك وسیله ارتباط اجتماعی و توسعه مطبوعات دولتی در عصر قاجار و توسعه ارتباطات اجتماعی ملی و غیر دولتی، در داخل و خارج از کشور - بویژه در جریان دوره‌های اول و دوم انقلاب مشروطه و بعد از سقوط محمدعلی شاه - یکی از ویژگی‌های مهم دوران سلطنت قاجاریه محسوب می‌شود.^(۲۰)

نوشتار حاضر می‌کوشد چگونگی شکل‌گیری، ویژگی‌ها، کارکردها و آسیب‌های یکی از ارکان اساسی انقلاب مشروطه، یعنی مطبوعات^(۲۱) را بررسی کرده و تحلیل نماید. البته در متن مقاله به جای واژه مطبوعات، بیشتر از روزنامه استفاده شده است و منظور از روزنامه - با توجه به شرایط دوره مورد بررسی - دقیقاً مطبوعاتی نیست که به صورت روزانه انتشار می‌یابند.

أ) وسایل ارتباط جمعی

۱. مفهوم

یکی از اصطلاحاتی که مجموع روش‌ها و شرایط انتشار جمعی و منظم تمام عناصر معلومات و قضاوت و فرهنگ انسانی را مشخص می‌کند، اصطلاح «ارتباطات اجتماعی»^(۲۲) یا «وسایل ارتباط جمعی» است.^(۲۳) این اصطلاح؛ مطبوعات، کتاب‌های پرتیراژ، رادیو، تلویزیون و سینما [و رسانه‌های الکترونیکی عصر دوم] را در برمی‌گیرد و از طرف

شورای مذهبی واتیکان دوم در چهارم دسامبر ۱۹۶۳ م انتخاب شده است. این واژه بیان کننده این مفهوم است که واژه ارتباط^(۲۴) در این اصطلاح، انتقال و انتشار و توزیع پیام ارتباطی را مشخص می‌نماید؛ زیرا انسان‌ها در زندگی اجتماعی آنچه را که دارند، با هم مبادله می‌کنند؛ به یکدیگر کمک می‌نمایند؛ به هم نزدیک می‌شوند و گرد هم اجتماع می‌کنند؛ به همین جهت، ارتباط آزاد و دائم، اساس زندگی اجتماعی است. صفت «اجتماعی»^(۲۵) که در اصطلاح مذکور به کار رفته نیز، با دقت خاصی انتخاب شده. هدف این انتخاب آن است که از یک طرف واژه «توده»^(۲۶) که اندیشه مسؤولیت نداشتن و همبسته نبودن افراد را در بر دارد، کنار گذاشته شود، و از سوی دیگر، نشان داده شود که ارتباط گروه‌های بسیار وسیع جوامع و حتی تمام بشر را در برمی‌گیرد و خود یکی از عوامل مهم اجتماعی شدن به شمار می‌رود.^(۲۷)

شایان ذکر است نخستین عصر ارتباطات اجتماعی با اختراع ماشین چاپ حروف متحرک سربی در سال ۱۴۳۶ م به وسیله گوتنبرگ^(۲۸) آغاز شد و به عقیده مک لوهان^(۲۹) روابط اجتماعی و اندیشه‌ها و رفتارهای انسانی را هم تحت تاثیر شدید نوشته‌های چاپی قرار داد؛ به همین سبب وی همه مظاهر زندگی جوامع غربی را در این عصر به عنوان کهکشان گوتنبرگ معرفی می‌کند.^(۳۰)

۲. پیدایش مطبوعات در جهان

انتشار دوره‌ای، مهم‌ترین خصوصیت مطبوعات به شمار می‌رود؛ به طوری که یونسکو کتاب را یک نشریه غیر دوره‌ای چاپی تعریف می‌کند.^(۳۱) در اصلاحیه قانون مطبوعات، مصوب سال ۱۳۷۹ ش مجلس شورای اسلامی نیز در تعریف مطبوعات آمده است:

مطبوعات در این قانون، عبارتند از نشریاتی که به طور منظم و با نام ثابت و تاریخ و شماره ردیف در زمینه‌های گوناگون خبری، انتقادی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، کشاورزی، فرهنگی، دینی، علمی، فنی، نظامی، هنری، ورزشی و نظایر این‌ها منتشر می‌شود.^(۳۲)

چگونگی به وجود آمدن مطبوعات به عنوان یک رسانه، وسیله و کانال ارتباط جمعی، توده‌ای، گروهی یا اجتماعی بدین گونه بود؛ با تکمیل صنعت چاپ در اروپا بعد از ایجاد خط و تهیه کاغذ، جوامع اروپایی با انتشار مطبوعات وارد دومین عصر ارتباطات اجتماعی خود شدند؛ به طوری که پس از اختراع ماشین چاپ به وسیله گوتنبرگ در سال ۱۴۳۶ م و ایجاد شرایط فنی، سازمانی و مالی مساعد در زمینه تهیه و تکثیر نوشته‌ها و پیام‌های مکتوب، تحول بزرگی در ارتباطات غیر مستقیم آغاز شد و برای اشاعه معلومات و اطلاعات و افکار انسانی و پیشرفت فرهنگ و تمدن بشری، امکانات وسیعی پدید آمد.^(۳۳)

بدین ترتیب از اواخر قرن شانزدهم و اوایل قرن هفدهم که صنعت چاپ توسعه واقعی خود را یافت، انتشار مطبوعات نیز رفته رفته ویژگی‌های امروزی خود را به دست آورد؛ به طوری که نخستین روزنامه‌های چاپی اروپایی به تعداد نسبتاً زیاد و با نظم مستمر دوره‌ای هفتگی، از دهه سوم قرن هفدهم (در حدود دو قرن پس از ایجاد صنعت چاپ) به

وجود آمدند. همچنین اگر در نظر داشته باشیم که انتشار توده گیر و نظم دوره‌ای کوتاه مدت، دو خصلت اصلی وسایل ارتباط اجتماعی‌اند، باز بین زمان انتشار نخستین مطبوعات غربی تا اوایل قرن نوزدهم میلادی - که مطبوعات روزانه توسعه و تکامل پیدا کردند - دو قرن دیگر فاصله وجود داشته است^(۳۴)

از منظر دیگر نیز بررسی‌ها نشان می‌دهد، مطبوعات غربی که در قرن هفدهم و دوره حاکمیت استبداد زاده شده بودند، دوره دوم حیات خود را در اواخر قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم - که دوره مطبوعات مسلکی نامیده شده است - پیش‌تر به انتشار اخبار و مقالات سیاسی اختصاص می‌دادند و در واقع به ایفای نقش مؤثر خود در انتشار عقاید آزادی‌خواهانه و انعکاس جنبش‌های دموکراتیک می‌پرداختند؛ ولی از اواسط قرن نوزدهم، مطبوعات غربی دوره سوم حیات خود را با توجه بیش از پیش به چاپ اطلاعات و مطالب گوناگون غیر سیاسی و رها کردن روش‌های سیاسی آغاز کردند و به عبارتی اسیر بودن آنان در دام تبلیغات بازرگانی باعث شد که سازمان‌ها و نهادهای مطبوعاتی مانند سایر مؤسسات بزرگ اقتصادی، هدف اصلی خود را بر فروش بیش‌تر استوار سازند.^(۳۵)

شایان ذکر است که توسعه مطبوعات توده گیر، خود تابعی از عواملی مانند کاهش قیمت روزنامه، صنعتی شدن، کاهش بی سوادی، ثروت اندوزی و گسترش شهر نشینی، بالا رفتن سطح زندگی و... در جوامع غربی نیز بوده است.^(۳۶)

۳. وظایف

وسایل ارتباط اجتماعی - از جمله مطبوعات - با انتقال اطلاعات و آگاهی‌های جدید و مبادله افکار و عقاید، در راه پیشرفت فرهنگ و تمدن بشری نقش مهمی را به عهده دارند. به عبارتی دیگر، نیازهای روز افزون گروه‌های وسیع جوامع انسانی به استفاده از وسایل ارتباطی، برای این وسایل نقش‌ها و وظایف اجتماعی^(۳۷) متعددی را پدید آورده‌اند^(۳۸) چنانچه وسایل ارتباط اجتماعی، از جمله عوامل اساسی شکل دادن افکار عمومی^(۳۹) در جهان بوده و هستند،^(۴۰) و اگر فراگرد انتشار نوآوری^(۴۱) را نظر بگیریم که حداقل دارای مراحل چهارگانه «آگاهی»^(۴۲)، «ترغیب»^(۴۳)، «تصمیم»^(۴۴) و «تأیید» یا «هم‌سوئی»^(۴۵) می‌باشد؛ کانال‌های ارتباط جمعی و جهان وطنی، به طور نسبی در مرحله آگاهی، و کانال‌های ارتباط شخصی و محلی در مرحله ترغیب فرایند تصمیم نوآوری، حائز اهمیت هستند.^(۴۶)

یکی از وظایف و کارکردهای اجتماعی مطبوعات، ایجاد بستر مناسبی برای نظارت اجتماعی بر دولت و جامعه است. کازنو^(۴۷) نظارت اجتماعی را مجموعه فراگردهای جامعه‌پذیری و بویژه فشاری می‌داند که افراد از جانب دیگران در جامعه حس می‌کنند و این فشار باعث می‌شود تا رفتار آن‌ها در جهت هم‌رنگی و متابعت از جامعه سوق داده شود. در این میان رسانه‌ها نقش اساسی در نظارت اجتماعی یافته‌اند و این نظارت بیش از پیش از حالت فردی خارج شده است و توجه به افکار عمومی در این زمینه، اهمیت زیادی یافته است؛^(۴۸) از این رو وقتی بخواهیم به وضعیت انتقاد در وسایل ارتباط اجتماعی یک جامعه بیندیشیم، به گونه‌ای اجتناب ناپذیر باید به اندیشه در رابطه دولت و رسانه‌ها، و متعاقباً به تفکر در باره رابطه دولت و ملت روی آوریم؛ زیرا میان این مقوله‌ها کنشی متقابل وجود دارد.^(۴۹)

به طوری که اسلون^(۵۰) در کتاب «چشم‌اندازی به تاریخ رسانه‌ها» می‌گوید:

حق انتقاد از حکومت، مهم‌ترین شاخص حضور آزادی مطبوعات است. البته مقصود از حکومت، همان است که در قالب کار کرد، ساختی به نام دولت مطرح است. به عبارتی دولت مجموعه‌ای از نهادهاست که قوای اجرایی، قانون گذاری، اداره امور مرکزی و محلی، دادگستری، پلیس و نیروهای مسلح را در بر می‌گیرد و حق انحصاری به کار بردن مشروع زور را در اختیار دارد.^(۵۱)

بنابراین، انتقاد، دیگر صرفاً فریاد علیه ظلم و عیب جویی نیست؛ بلکه جایگاهی است برای ارزیابی عملکردها و رویدادها. این ارزیابی، به نوعی دارای کارکرد حضور مشورتی مردم در اداره امور است و چنین کارکردی از نظر قرآن، کارکردی ارزشمند می‌باشد؛^(۵۲) چنان‌که خداوند متعال در آیه ۲۸ سوره شورا می‌فرماید:

و آنان که امر خدا را اجابت کردند و نماز به پا داشتند (و در حفظ دین و دنیای خود)، کارشان را به مشورت یک‌دیگر انجام دهند و از آن چه روزی آنها کردیم به فقیران انفاق می‌کنند.

از سوی دیگر، اندیشمندان معتقدند که عملکردهای مطبوعات و روزنامه‌نگاران، هیأت حاکمه و دولت‌مردان در حوزه انتقاد، خود تابع تئوری هنجاری حاکم بر وسایل ارتباط اجتماعی است؛ تئوری‌هایی که حاوی بایدها و نبایدها صریح و ضمنی درباره رسانه‌هاست؛^(۵۳) به طوری که مک کوائل^(۵۴) (۱۹۸۷م) در کتاب «تئوری‌های ارتباط جمعی» به وضوح این نظر را مطرح کرده است و می‌گوید:

تئوری‌های هنجاری با این سؤال اساسی سر و کار دارد که وسایل ارتباط جمعی چگونه باید عمل نمایند و چه انتظاری از آنان می‌رود. این امر به زنجیره «جامعه رسانه» مربوط می‌شود و زنجیره مذکور به سه نکته باز می‌گردد: ۱. ریشه‌های شکل‌گیری رسانه‌ها در آن جامعه؛ ۲. تصویری که رسانه‌ها به عنوان واسطه میان رویدادها و رسانه‌ها از خود دارند؛ ۳. تصویری که از رسانه‌ها برای تداوم سیستم حاکم در جامعه وجود دارد.^(۵۵)

در واقع تئوری هنجاری حاکم بر وسایل ارتباط اجتماعی جامعه، مشخص‌کننده بایدها و نبایدها در عملکرد آنهاست که قوانین رسانه‌ای جاری با تعیین میزان استقلال رسانه‌ها و مشروعیت بخشیدن به ارتباط عمودی یا افقی هیأت حاکمه با رسانه‌ها به رغم اهمیتی که دارد، فقط سهمی از این بایدها و نبایدها را تعیین می‌کند؛ ولی توقعات غیر رسمی دولت‌مردان، توقعات گروه‌های فشار، باورها و انتظارات مردم از رسانه‌ها، محتوای حافظه عامه از عملکرد رسانه‌ها و در مجموع پاره فرهنگ حاکم بر رسانه‌ها، تعیین‌کننده بخش عمده‌ای از این بایدها و نبایدها هستند که می‌توان همگی آنها را در تئوری هنجاری حاکم بر رسانه‌های یک جامعه خلاصه کرد. بنابراین، بستر ساخت و کارکرد رابطه «دولت مطبوعات ملت» را می‌توان تئوری هنجاری حاکم دانست که عملاً فضای تنفسی مطبوعات را تشکیل می‌دهند و بر مقدار و نوع انتقاد در مطبوعات تأثیری عمیق می‌گذارند.^(۵۶)

به هر حال وسایل ارتباط اجتماعی هر کشور، می‌توانند آینه تمام‌نمای زندگی سیاسی و اجتماعی آن کشور باشند؛ به همین دلیل استقلال و عدم استقلال، آزادی و محدودیت آنها در انعکاس خواست‌ها و آرمان‌های جمعی و حل مسایل عمومی، آثار متفاوتی را به وجود می‌آورد.^(۵۷) در این جهت نقش‌ها یا کارویژه‌ها یا کارکردها و یا وظایف

اجتماعی - وسایل ارتباط اجتماعی که برای نخستین بار از سوی هارولد لاسول^(۵۸) (۱۹۲۸-۱۹۴۸م) طبقه‌بندی شده است و بعدها سایر اندیشمندان به تکمیل آن پرداخته‌اند - را می‌توان در چهار نقش اساسی بیان کرد: نظارت بر محیط (نقش خبری)، ایجاد و توسعه همبستگی‌های اجتماعی (نقش تشریحی)، انتقال میراث فرهنگی (نقش آموزشی) و ایجاد سرگرمی (نقش تفریحی).^(۵۹)

ب) زیرساخت مطبوعاتی انقلاب مشروطه

۱. مطبوعات به مثابه زیرساخت

تاریخ تمدن، به تعبیری تاریخ سیر افکار و عقاید بشر است و در مدت بیش از پانصد سال، بشر با استفاده از وسایل و اختراعات علمی مثل چاپ، تلفن، تلگراف، مطبوعات، رادیو، تلویزیون [و رسانه‌های الکترونیکی عصر دوم مانند اینترنت] بیش از کوشیده با هم‌نوع خود فراتر از محدودیت‌های مکانی و زمانی و... ارتباط پیدا کند. به عبارتی با به کار بردن وسایل ارتباطی، اعضای مختلف جامعه انسانی کوشیده‌اند از وقایع روز باخبر شوند؛ عقاید خود را به هم‌دیگر ابراز کنند؛ اندیشه‌های محیط خود را تفسیر و تعبیر نمایند و سرانجام با تسلط بر وسایل ارتباطی، به پیشرفت‌های فکری، اجتماعی و سیاسی دست یابند.

در این میان بررسی‌ها نشان داده است که نقش روزنامه‌نگاری و ارتباطات اجتماعی در دوران انقلاب فرانسه، انقلاب مشروطه ایران و بسیاری از وقایع و حوادث، غیر قابل تردید است؛ چنان‌چه نقش ارتباطات به طور عام و فن‌آوری وسایل ارتباط اجتماعی به طور خاص، در فرایند تغییرات اجتماعی، رشد اقتصادی و تغییرات بزرگ سیاسی در کشورهای به اصطلاح غیر صنعتی و رو به توسعه از قرن نوزدهم مورد بررسی قرار گرفته است.

همچنین بررسی رویدادها در خاورمیانه، آسیا، آمریکای لاتین در قرن بیستم نیز، نشان می‌دهد که يك خط موازی مستقیم میان اصلاح طلبان و انقلابی‌ها از يك سو، و روزنامه نگاران، نویسندگان، سخنرانان و منتشر کنندگان اعلامیه‌ها و جزوات سیاسی از سوی دیگر وجود دارد که نمی‌توان میان دو جریان رابطه نهادهای ارتباطی - بویژه ارتباطات اجتماعی و کل فرایند شورش سیاسی، انقلاب و اصلاح اجتماعی - تفکیک قایل شد. به عبارتی در واقع برخی از مهم‌ترین وقایع اجتماعی دو دهه نخستین قرن بیستم در برخی کشورها - از جمله ایران، - مستقیماً رابطه میان مطبوعات، افکار عمومی و اصلاحات سیاسی و انقلاب‌ها را نشان می‌دهد.

بنابراین، با توجه به این‌که در منابع معتبر علمی از مطبوعات به عنوان یکی از ارکان اساسی انقلاب مشروطه نام برده^(۶۰) می‌توان مطبوعات را یکی از زیرساخت‌های انقلاب مشروطه دانست و چگونگی شکل‌گیری و کارکردهای آن را در جریان انقلاب مذکور بررسی کرد.

۲. چگونگی شکل‌گیری ارتباطات اجتماعی در ایران تا آغاز قرن بیستم (۱۰۱۸-۱۲۷۹ش/۱۶۳۹-۱۹۰۰م)

۲-۱. صنعت چاپ در ایران

تاریخ روزنامه‌نگاری هر کشور، نتیجه اقدام و کوشش دسته برجسته و اشخاص مشخص نیست؛ بلکه حاصل جریان تاریخی است که اعضای مختلف جامعه در آن شرکت دارند.^(۶۱) همچنین تاریخ روزنامه‌نگاری و ارتباطات اجتماعی ایران، از تاریخ تمدن کشور جدا نیست؛ بویژه پیشرفت‌ها و نقش رهبری ایران در اختراع و توسعه شاهراه‌های تجاری، نظام حمل و نقل و پست، دریانوردی، مخابرات، کتاب‌نویسی و نقشه‌کشی که در خصوص آن‌ها پژوهش متعددی انجام شده است.^(۶۲)

شناخت و توسعه صنعت کاغذسازی در ایران، به سرعت انجام شد و رونق یافت؛ اما صنعت چاپ در ایران به کندی راه پیدا کرد. در مقابل، فن کاغذسازی که از طرف شرق آسیا به ایران آمده بود، معرفی فن چاپ در ایران محصول و میوه تمدن غرب و اروپا بوده است. نخستین ماشین چاپ در دوره سلطنت شاه عباس کبیر و به دست ارمنیان جلفای اصفهان وارد ایران شد^(۶۳) و با چاپ نخستین کتاب - که کتابی مذهبی و به زبان ارمنی بود - ایرانیان نیز وارد کهکشان گوتنبرگ شدند.^(۶۴)

در دوره قاجاریه و مخصوصاً سلطنت فتحعلی شاه در نیمه اول قرن نوزدهم میلادی که روابط ایران با کشورهای اروپایی رو به توسعه گذاشت، توسعه فن چاپ و امور ارتباطی بار دیگر مورد توجه جدی قرار گرفت. به طوری که از سال ۱۱۹۵ ش/۱۸۱۶م، به تدریج ماشین‌های چاپ از روسیه به ایران آورده و در تبریز به کار انداخته شدند و برای چند سالی تبریز تنها شهری بود که فن چاپ در آن رونق داشت و در آنجا به چاپ‌خانه «باسمه‌خانه» گفته می‌شد. ضمناً نخستین کتاب فارسی چاپی که تبریزی‌ها در سال ۱۱۹۶ ش/۱۸۱۷م منتشر کردند، «قرآن» بود.^(۶۵)

بدین ترتیب با توسعه صنعت چاپ در ایران، آموزش و فرهنگ جدید نیز، رو به ترقی گذاشت و آمیزش این فن بسیار مهم با رسوخ عقاید و آگاهی‌های جدید در طبقات تحصیل کرده و متوسط ایران، هسته اولی روزنامه‌نگاری را پدید آورد که انقلاب بزرگی در طرز فکر و روش طبقات مختلف ایران ایجاد کرد.^(۶۶) در این میان، ذکر این نکته ضروری است که افکار تمدن غرب و اروپا و ظواهر آن در قرن نوزدهم، از طریق دو جبهه غربی‌هایی که به ایران سفر می‌کردند یا ایرانیانی که به آن جا رفته و بر می‌گشتند و یا مسیون‌های مسیحی که از اروپا و آمریکا برای پخش عقاید خود به ایران می‌آمدند، اشاعه می‌یافت که در سه رشته اصلی: تأسیس مدرسه، تأسیس بیمارستان و مرکز بهداشت و تأسیس چاپ‌خانه و قرائت‌خانه به فعالیت می‌پرداختند.^(۶۷)

به هر حال با توسعه فن چاپ در ایران و تأسیس چاپ‌خانه و کارگاه‌های انتشار در نقاط مختلف کشور - در آغاز نیمه دوم قرن نوزدهم - صنعت چاپ وسیله بسیار مهم ارتباطاتی در ایران به شمار می‌رفت و کارکردی شبیه رسانه‌های امروزی مانند تلویزیون و ماهواره را بازی می‌کرد. به عبارتی وسیله چاپ تا آن زمان در ایران، مهم‌ترین نمونه رسوخ تمدن غرب به شمار می‌آمد و نتایج اجتماعی حاصل از آن در افکار و عقاید ایرانی‌ها - بویژه طبقات دولتی، تجار و روحانیان - مشهود بوده است.^(۶۸)

۲-۲. طلایه مطبوعات فارسی در جهان

زادگاه و سرزمین اصلی زبان فارسی، البته ایران است؛ ولی بر خلاف انتظار، نخستین مطبوعات و روزنامه‌های فارسی در هندوستان منتشر شده‌اند که علل آن را می‌توان این گونه برشمرد: توسعه رسمی صنعت چاپ پیش‌تر از ایران، رواج زبان فارسی در هندوستان و شیوه حکومت و اداره هند در قرن هیجدهم، توسعه نسبی سواد و آموزش و پرورش نسبت به ایران در طبقات بالای جامعه هند، و علاقه انگلیسی‌ها برای گسترش نفوذ خود در هند. بدین ترتیب پس از انتشار روزنامه‌های محلی در هندوستان، نخستین روزنامه فارسی زبان در سال ۱۷۹۸ م در دهلی به نام «اخبار» منتشر شد و بعد از آن هم روزنامه‌های دیگری با عناوین «مرآت الاخبار»، «جام جهان نما»، «شمس الاخبار»، «آئینه سکندری»، «سلطان الاخبار»، «مهر منیر» و «جام جمشید» برای مخاطب داخل هندوستان انتشار یافتند و از راه‌های گوناگون - مانند روزنامه‌های اروپایی - با زبان بیگانه، به طور غیر رسمی وارد ایران شدند.^(۶۹)

۲-۳. تأسیس نخستین روزنامه در ایران

تاریخ ارتباطات اجتماعی ایران، در سومین سال سلطنت محمد شاه قاجار، شاهد تأسیس و انتشار نخستین روزنامه فارسی چاپی در ایران بود که اسم رسمی نداشت؛ ولی به نام «کاغذ اخبار»^(۷۰) معروف می‌باشد و در روز ۲۵ محرم سال ۱۲۵۲ ق / ۱۲۱۶ ش / ۱۸۳۷ م به مدیریت و سردبیری میرزا صالح شیرازی در تهران منتشر شد که روزنامه‌ای بود با خط نستعلیق و با چاپ سنگی.^(۷۱) «کاغذ اخبار» به فاصله ۲۱۵ سال بعد از انتشار اولین روزنامه در لندن^(۷۲)، در چاپخانه‌ای که از تبریز به تهران انتقال داده شده بود، چاپ شد و دوره زمانی انتشار آن ماهیانه بود و مدت انتشار آن حدود سه سال به طول انجامید و مالکیت آن دولتی بود.^(۷۳)

محتوای روزنامه «کاغذ اخبار» به عنوان یک رسانه دولتی، حالت سخن‌گویی و مداحی دولت وقت را داشته و نوشته‌ها و اخبار آن بسیار رسمی، خشک و مقاله و تفسیرهای اجتماعی و ادبی نیز نداشته است. مندرجات کوتاه و اخبار خارجی «کاغذ اخبار» هم جز اطلاعات تاریخی و جغرافیایی چیزی بیشتر نداشته و اخبار داخلی آن نیز، تنها به اخبار تهران مربوط می‌شد و اخبار خارجی آن هم ترجمه‌ای از اخبار روزنامه‌های اروپایی و یا نامه‌های رسیده به تهران بود.^(۷۴)

۲-۴. توسعه ارتباطات اجتماعی در ایران از دوره سلطنت ناصرالدین شاه تا آغاز قرن بیستم

دوره سلطنت ناصرالدین شاه، شاهد آغاز صفحات جدیدی در تاریخ ارتباطات داخلی و خارجی ایران بود که تأسیس روزنامه «وقایع اتفاقیه» در سال ۱۲۳۰ ش (۱۲۶۷ ق/ ۱۸۵۱ م)، افتتاح ارتباطات تلگرافی ۱۲۴۳ ش (۱۲۸۱ ق / ۱۸۶۴ م) و

تشکیل وزارت انطباعات ممالک محروسه ۱۲۵۰ ش (۱۲۸۸ق/۱۸۷۱م) برای کنترل بیش‌تر بر مواد چاپی از جمله روزنامه‌ها، نمونه‌های مهمی از تحولات این دوره به شمار می‌رود.^(۷۵)

بررسی‌ها نشان می‌دهد که در مدت سی و پنج سال که از زمان آغاز انتشار نخستین روزنامه وابسته به حکومت در ایران می‌گذشت، در حدود ده روزنامه در تهران و شهرستان‌ها منتشر شد که عبارتند از: «کاغذ اخبار» (۱۸۳۷م، دولتی، ماهانه، تهران)، «زاراربت باهرا» (۱۸۵۱م، غیر دولتی، ماهانه، ارومیه)، «وقایع اتفاقیه»، (۱۸۵۱م، دولتی، هفتگی، تهران)، «تبریز» (۱۸۵۸م، دولتی، ماهانه، تبریز)، «روزنامه دولت علیّه ایران» (۱۸۶۰م، دولتی، هفتگی، تهران)، «روزنامه علمیه» (۱۸۶۴م، دولتی، ماهانه، تهران)، «روزنامه ملتی» (۱۸۶۶م، دولتی، ماهانه، تهران)، «روزنامه دولتی» (۱۸۶۶م، دولتی، ماهانه، تهران)، «روزنامه ایران» (۱۸۷۱م، دولتی سه روز در هفته، تهران)، «روزنامه فارس» (۱۸۷۲م، دولتی، هفتگی، شیراز). انتشار این روزنامه‌ها نشان دهنده توجه دولت استبدادی ناصرالدین شاه به ارتباطات اجتماعی برای مقابله با آزادی‌خواهان بوده است.^(۷۶)

در دو دهه آخر قرن نوزدهم، روزنامه به عنوان یک وسیله ارتباط اجتماعی با تغییرات اجتماعی و تحولاتی که در ایران به وجود آمد، همراه شد و هسته نارضایتی و شورش مردم علیه استبداد را فراهم کرد. بدین ترتیب که در مدت بیست سال آخر سلطنت ناصرالدین شاه قاجار (۱۸۷۶ - ۱۸۹۶م) در حالی که از میان نزدیک به دوازده روزنامه منتشره در ایران، فقط یک روزنامه به نام «مدنیت»، غیر دولتی بود که در شهر تبریز به وسیله ارمینان انتشار می‌یافت. سایر روزنامه‌ها؛ مانند «شرف» و یا «ناصری» همگی به حکومت استبدادی وابسته بودند و کارکردی برای عامه مردم نداشتند؛ ولی از سوی دیگر، بی‌اعتنایی ناصرالدین شاه به اصلاحات اساسی باعث زندگی تبعیدی عده قابل توجهی از نویسندگان و آزادی‌خواهان ایران در برخی کشورهای اروپایی، هندوستان، مصر و عثمانی شد که زمینه تشکیل هسته اصلی روزنامه‌نگاری تبعیدی ایرانی در خارج از کشور را ایجاد نمود و فصل جدیدی در مطبوعات قبل از مشروطه را پایه‌ریزی کرد.^(۷۷)

مطبوعات تبعیدی فارسی زبان که تعداد آنها تا آغاز قرن بیستم ۲۲ عنوان بود، در هندوستان، مصر، عثمانی، فرانسه و انگلستان انتشار می‌یافتند و عمدتاً توزیع آنها در داخل کشور از سوی ناصرالدین شاه ممنوع شده بود و حتی برای مقابله با آنها بعضاً روزنامه‌هایی نیز، از سوی وزارت انطباعات انتشار می‌یافت. مطبوعات ملی مذکور به حکومت قاجارها حمله و از وضع سیاسی و اجتماعی و اقتصادی ایران انتقاد می‌کردند و برقراری عدالت، آزادی، آزادی مطبوعات، برقراری نظام پارلمانی و... خواستار بودند.

این افکار و عقاید به وسیله الگوی چند مرحله‌ای نشر پیام‌ها به وسیله انجمن‌ها، شب‌نامه‌ها، نخبگان جامعه و روزنامه نگاران در میان آحاد مردم در شهرهای بزرگ مانند تهران، تبریز، رشت، اصفهان، شیراز و... اشاعه می‌یافت. از مهم‌ترین این روزنامه‌ها می‌توان به روزنامه‌های ذیل اشاره کرد: «اختر» (هفتگی، ۱۸۷۵م، استانبول)، «عروة الوثقی» (۱۸۸۲م، هفتگی، پاریس)، «قانون» (۱۸۹۰م، ماهانه، لندن)، «شاهسون» (۱۸۸۹م، ماهانه، استانبول)، «حکمت» (۱۸۹۲م، ماهانه، قاهره)، «حبل المتین» (۱۸۹۳م، هفتگی، کلکته)، «ثریا» (۱۸۹۸م، هفتگی، قاهره) و «پرورش» (۱۹۰۰م، هفتگی، قاهره).^(۷۸)

در این میان اولین مبارزه دسته جمعی از سوی مطبوعات ملی تبعیدی که در خارج انتشار می‌یافتند و بعداً در ایران توزیع می‌شدند (مانند روزنامه «اختر») به همراه روزنامه‌های مخفی (شب‌نامه‌ها که در داخل کشور، بویژه آذربایجان منتشر می‌شدند) همگام با آحاد مردم کشور آشکار شد. این واقعه هنگام واگذاری انحصار تنباکو و توتون (قرار داد تالیوت) به یک شرکت انگلیسی از سوی ناصرالدین شاه، در سال ۱۲۶۹ ش/۱۸۹۰م به وقوع پیوست که با رهبری روحانیان منجر به پیروزی جنبش ضد استعماری تنباکو به عنوان طلیعه انقلاب مشروطه منجر گردید.^(۷۹)

از جمله ویژگی‌های محتوای مطبوعات ملی خارج از کشور در آن دوره، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. محتوای آن‌ها بیشتر جنبه اجتماعی، سیاسی و تفسیری داشت و کمتر به اخبار داخلی و خارجی دولت می‌پرداختند؛

۲. اغلب نویسندگان و ناشران؛ آزادی‌خواه، مشروطه‌طلب و خواستار الغای حکومت استبدادی بودند؛

۳. هم جراید و هم نویسندگان، بی نهایت تحت تاثیر نظام اجتماعی - سیاسی اروپا و الگوی اداری و مملکتی و حکومتی کشورهای اروپایی - بویژه انگلستان، فرانسه، بلژیک، فرانسه و سوئیس - بودند؛

۴. مطبوعات این دوره با مطالب خود توانستند بین روحانیان ایران و روشن‌گران در اروپا و تحصیل کرده‌های خارجی ایران تعاملی ایجاد کنند و میدان را برای مبارزات آینده آماده سازند.^(۸۰)

به هر حال، پس از کشته شدن ناصرالدین شاه و با روی کار آمدن مظفرالدین شاه در سال ۱۲۷۶ ش (۱۳۱۵ ق/۱۸۹۷ م) باز هم وضعیت مطبوعات دولتی در تولید و توزیع، بسیار بد بود و قدرت رقابت با مطبوعات تولیدی در خارج از کشور را نداشتند. حکومت برای حل این مشکل، نخستین روزنامه دولتی را که به صورت روزانه بود، تحت عنوان «خلاصة‌الحوادث» در سالروز تولد مظفرالدین شاه منتشر کرد. انتشار این روزنامه تا ماه اوت ۱۹۰۳ م ادامه یافت و سبک آن همانند گذشته همراه با تعارفات اغراق‌آمیز از پادشاهان و ضعف در خبرنگاری و ارایه خبر بود.^(۸۱)

مجموعه وقایع ذکر شده باعث گردید که شیوه ارتباطی ایرانیان در آستانه ورود به قرن بیستم در نشر افکار و عقایدشان بین طبقات مختلف مردم، دیگر انحصاراً از طرق قدیمی ارتباطات شفاهی - که ارتباط فردی، گروهی، سخنرانی، انجمن‌ها و دوره‌ها را در برمی‌گرفت - انجام نگیرد؛ بلکه علاوه بر آن از راه‌های دیگری همچون نشر کتاب، جزوه، اعلامیه و مطبوعات نیز انجام شود که برای بیشتر ایرانیان تازگی داشت. این دو شیوه ارتباطی به هم کمک کردند که جریان ارتباطی ایرانیان با خود و دنیای خارج تسهیل شود.^(۸۲)

۳. زیرساخت مطبوعاتی دوره اول انقلاب مشروطه (۱۲۷۹ - ۱۲۸۵ ش / ۱۹۰۰ - ۱۹۰۶ م)

۳-۱. چگونگی شکل‌گیری و ویژگی‌ها

دوره اول انقلاب مشروطه ایران که به صدور فرمان مشروطه از سوی مظفرالدین شاه، تشکیل نخستین مجلس شورای ملی و تدوین نخستین قانون اساسی ایران منتهی شد، در تاریخ ارتباطات اجتماعی ایران نیز فصل مخصوص به خود را دارد.^(۸۳)

زیرساخت مطبوعاتی انقلاب مشروطه در بین سال‌های ۱۲۷۹ - ۱۲۸۵ ش (۱۹۰۰ - ۱۹۰۶ م؛ یعنی آغاز قرن بیستم تا صدور فرمان مشروطه) از حدود چهل روزنامه عمدتاً انقلابی و آزادی طلب تشکیل شده بود که در تهران و شهرستان‌ها منتشر می‌شدند. همچنین شهرهای مشهد، همدان و بوشهر برای نخستین بار در تاریخ ایران در دوره مذکور، صاحب روزنامه گردیدند. در واقع نیمی از تعداد ۸۳ روزنامه انتشار یافته در داخل کشور از سال ۱۲۱۶ ش / ۱۸۳۷ م، مربوط به شش سال اول قرن بیستم است؛ و ضمناً تبریز نیز، بزرگ‌ترین مرکز انتشار روزنامه‌های ملی و غیر دولتی کشور در دوره اول انقلاب مشروطه محسوب می‌شد.^(۸۴)

از مهم‌ترین مطبوعات این دوره می‌توان به روزنامه‌های ذیل اشاره کرد: «طلوع» (۱۹۰۰ م، غیر منظم، بوشهر)، «کمال» (۱۹۰۱ م، هر دو هفته یک بار، تبریز)، «ادب» (۱۹۰۰ م، هفتگی، مشهد)، «امید» (۱۹۰۶ م، هفتگی، تبریز)، «ادب» (۱۹۰۴ م، هفتگی، تهران)، «جریده ملی» (۱۹۰۶ م، هفته‌ای دو شماره، تبریز)، «الجناب» (۱۹۰۶ م، هفتگی، اصفهان)، «مکتب» (۱۹۰۶ م، نامنظم، تهران)، «اسلامیه» (۱۰۹۶ م، هفتگی، تبریز) و «نوروز» (۱۹۰۲ م، هفتگی، تهران).^(۸۵)

همچنین در شش سال مذکور، فقط هشت روزنامه جدید ملی در خارج از کشور انتشار یافت که نسبت به دوره قبل از آغاز قرن بیستم، کاهش قابل توجهی داشت. علت آن بود که فعالیت انقلابی‌ها و آزادی‌خواهان در آن روزها، عمدتاً به ایران منتقل شده بود.^(۸۶)

به هر ترتیب از انتشار نخستین روزنامه در ایران تا اعلام مشروطه، روی هم رفته در حدود ۱۱۴ روزنامه دولتی و غیر دولتی در داخل و خارج از کشور منتشر شد (جدول شماره ۱ و ۲) که به جز یک روزنامه روزانه به نام «خلاصه‌الحوادث» که مدتی در تهران منتشر می‌شد، تمام مطبوعات ایران در این ۶۹ سال، هفتگی و ماهانه و چند نشریه سه روز در هفته بود. اندازه روزنامه‌های داخلی دوره اول انقلاب نیز، مانند روزنامه‌های قبل از آغاز دوره مذکور کوچک بود؛ مخصوصاً در دو سال قبل از صدور فرمان مشروطه که به علت کمبود کاغذ، صفحات مطبوعات در هر شماره تغییر می‌کرد.

مندرجات مطبوعات این دوره نیز، تماماً سیاسی و انتقادی بود و کمتر مسایل تفریحی و فرهنگی و ادبی مطلقاً غیر سیاسی در آنها دیده می‌شد. در روزنامه‌های دوره مذکور از آگهی مطبوعاتی هم خبری نبود. البته به علت علاقه و اشتیاق اهالی شهرستان‌ها و تهران به مسایل سیاسی، تیراژ روزنامه‌های ملی و غیر دولتی همگام با افزایش تعدادشان در این دوره نسبت به سال‌های قبل افزایش قابل توجهی پیدا کرد.^(۸۷)

در مجموع از آغاز قرن بیستم تا صدور فرمان مشروطه، در کارنامه مطبوعاتی ایران انتشار مطبوعات فرهنگی، مذهبی، پزشکی، کشاورزی، ادبی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دیده می‌شود که در پرورش روزنامه‌نگار، شب‌نامه‌نگار و رابطان خبری مطبوعات فارسی برون مرزی نیز، سهم به‌سزایی داشته‌اند. همچنین مدرسه‌ها در آن روزگار نیز، یکی

از کانون‌های مطبوعاتی بوده‌اند و حتی در آستانه صدور فرمان مشروطه، روزنامه‌خوانی در قهوه‌خانه‌ها شدیداً رواج پیدا کرده بود.^(۸۸)

۳-۲. کارکردها

- تأمین نیازهای اطلاعاتی انجمن‌های سری

یکی از ارکان انقلابی در ایران که شبکه نهضت مشروطه طلبی را بیش از پیش ریشه‌دار کرد و در ارتباطات اجتماعی عصر انقلاب مشروطه نقش مهمی داشت، انجمن‌های سری بود. این انجمن‌ها در تاریخ انقلاب مشروطه ایران فصل جداگانه و مخصوص دارند؛ ولی از جنبه تعامل انجمن‌ها با مطبوعات ملی و عوامل ارتباطات اجتماعی در ایران، همین قدر باید یادآوری کرد که انجمن‌ها در حقیقت، مرکز تهیه مقالات انقلابی روزنامه‌ها و همچنین مرکز مباحثه و تفسیر و تعبیر نوشته‌های مطبوعات ملی به شمار می‌رفتند.

انجمن‌های سری که در اواخر قرن نوزدهم در تهران و برخی شهرها به وجود آمده بودند، در اوایل قرن بیستم در اکثر شهرهای بزرگ ایران نیز توسعه یافته و مرکز تجمع و فعالیت ملی‌گرایان و آزادی‌خواهان شدند. البته دو دسته مهم روزنامه‌نگاران و روحانیان در تشکیل این انجمن‌ها نقش بسیار مهمی ایفا می‌کردند؛ به طور مثال از ۵۴ نفر عضو نخستین انجمن سری که در تهران تشکیل شد، بیست نفر روزنامه‌نگار و بقیه روحانی و بازرگان بودند.

حضور روزنامه‌نگاران از این رو در انجمن‌های سری اهمیت داشت که علاوه بر آگاهی و دانشی که از اوضاع داخل و خارج کشور داشتند، روزنامه‌ها و جزوه‌های آن‌ها وسیله ترویج و توسعه انجمن‌های سری بین مردم بود. البته نقش روحانیان در انجمن‌های سری به علت احترام و نفوذ قابل ملاحظه‌ای که بین بازاریان و مردم داشتند، مهم بود و از طرفی روحانیان هم از طریق مکاتب و مدارس مذهبی در آموزش و پرورش زمان خود اثر می‌بخشیدند. ذکر این نکته نیز مهم است که یکی از دستوره‌های مهم انجمن‌های سری، این بود که هر روز یا هر هفته اعضای انجمن در مرکز خود جمع شده و روزنامه‌های ممنوعه داخل و خارج کشور را برای یکدیگر بخوانند و اوضاع و احوال مملکتی و فعالیت‌های خود را مورد بحث و ارزیابی قرار دهند. در نتیجه پیوند روزنامه‌ها و انجمن‌های سری و ارتباطی که از این طریق حاصل شده بود، اسلحه بسیار مهمی در تبلیغات انقلابی‌ها و آزادی‌خواهان به شمار می‌آمد.^(۸۹)

- منبع عقاید و مرجع اصلی خبرهای داخلی و خارجی جامعه

مطبوعات ملی خارج از کشور - که آزادی‌خواهان آن را منتشر می‌کردند - در دوره اول انقلاب مشروطه نه تنها منبع عقاید و مباحث سیاسی و اجتماعی برای مردم و آزادی‌خواهان داخل کشور بود، بلکه مرجع و منبع اصلی خبرهای داخلی و خارجی برای خوانندگان پایتخت و شهرستان‌ها به شمار می‌آمد؛ از این رو مطبوعات خارج از کشور در این

دوره مهم‌ترین ذخیره اطلاعات اجتماعی در ایران محسوب می‌شود؛ مثلاً اخبار مربوط به جنگ روسیه و ژاپن و فعالیت انقلابی‌ها در روسیه، از طریق مطبوعات فارسی خارج از کشور به ایران می‌رسید.^(۹۰)

- کلاس‌های جدید انتقال آگاهی به جامعه

مطبوعات در دوره اول انقلاب مشروطه، با ترویج افکار آزادی خواهانه و اطلاعات جدید، به صورت کلاس‌های جدید انتقال دانش و آگاهی بین عامه در آمدند.^(۹۱) به عبارت دیگر، آزادی خواهان و افراد دارای سواد بیش‌تر با دریافت پیام‌های مطبوعات، آن‌ها را با استفاده از الگوی چند مرحله‌ای نشر در بین اقشار مختلف مردم اشاعه می‌دادند.

- تغییر نگرش مردم به مطبوعات و روزنامه‌نگاران

یکی از کارکردهای مطبوعات در دوره اول انقلاب مشروطه که از جنبه جامعه‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی بسیار مهم می‌باشد، این است که فعالان ارتباطات اجتماعی این دوره - متشکل از روزنامه‌نگاران، ناشران و گویندگان - حلقه‌های تشکیلاتی انقلاب مشروطه ایران را تشکیل می‌دادند. روزنامه‌نگاران حرفه‌ای این دوره برای نخستین بار به اهمیت و آگاهی افکار عمومی پی بردند و در حقیقت افکار عمومی این دوره، پرورش یافته فعالیت‌های عناصر مختلف از جمله مطبوعات بود؛ از این رو در شش سال مذکور حیثیت و اعتبار روزنامه‌نگاران، هم از جنبه سیاسی و هم از جنبه اجتماعی در ایران بالا رفت و سیمای روزنامه‌نگار و خبرنگار از کارمندی و نوکری دولت، به چهره مستقل، اصلاح طلب و کوشنده علمی و سیاسی تبدیل شد.^(۹۲)

۴. زیرساخت مطبوعاتی دوره دوم انقلاب مشروطه (۱۲۸۵ - ۱۲۸۸ ش / ۱۹۰۶ - ۱۹۰۹ م)

۴-۱. چگونگی شکل‌گیری و ویژگی‌ها

دوره دوم انقلاب مشروطه ایران که به خلع محمد علی شاه قاجار از سلطنت منتهی شد، از دوره‌های طلایی ارتباطات اجتماعی در ایران به شمار می‌رود و توسعه ارتباطات اجتماعی در آن، به عنوان یکی از پرهیجان‌ترین دوره‌های تاریخ سیاسی معاصر ایران محسوب می‌شود. طی چهار سال مذکور، مطبوعات نخستین جنگ رسانه‌ای با حکومت را شروع کردند و به پایان رساندند. به سختی می‌توان بین کوشندگان سیاسی و مطبوعاتی در دوره دوم انقلاب مشروطه مرزی کشید. به عبارتی بین روزنامه‌نگاران، واعظان، سیاستمداران و شاعران در این چهار سال، تفاوت فاحشی مشاهده نمی‌شود.^(۹۳)

زیرساخت مطبوعاتی انقلاب مشروطه در بین سال‌های ۱۲۸۵ - ۱۲۸۸ ش / ۱۹۰۶ - ۱۹۰۹ م (از زمان صدور فرمان مشروطه به وسیله مظفرالدین شاه تا خلع محمدعلی شاه قاجار)، از حدود ۱۶۱ عنوان روزنامه جدید تشکیل می‌شد

.....

که حدود نود عنوان آن، صرفاً در سال ۱۲۸۶ش / ۱۹۰۷م شروع به انتشار کردند (جدول شماره ۱). به عبارتی پس از صدور فرمان مشروطه تعداد روزنامه‌های ملی در کشور رو به افزایش گذاشت و تا قبل از آغاز استبداد صغیر به وسیله محمدعلی شاه به نقطه اوج خود رسید؛ ولی بعد از آن، روند تأسیس روزنامه با توقیف مطبوعات و زدوبند روزنامه‌نگاران رو به نزول گذاشت؛ به طوری که بعد از بمباران مجلس در سال ۱۲۸۷ش / ۱۹۰۸م تا سقوط محمدعلی شاه به دلیل قانون مطبوعات و عملیات ضد آزادی محمدعلی شاه، از تعداد روزنامه‌ها و تیراژ آنان کاسته شد و در نتیجه دوباره بازار نشر مطبوعات فارسی برون مرزی و شب‌نامه‌نگاری رونق گرفت و تنها حیات سه روزنامه در تهران ادامه یافت؛ ولی کانون چاپ و نشر روزنامه در داخل کشور ابتدا به آذربایجان و سپس در اصفهان و گیلان بیش از پیش گسترش پیدا کرد.^(۹۴)

از روزنامه‌های مهم ملی که بعد از صدور فرمان مشروطه در مقاطعی انتشار یافتند، می‌توان به روزنامه‌های ذیل اشاره کرد: «مجلس» (۱۹۰۶م، روزانه، تهران)، «ندای وطن» (۱۹۰۶م، روزانه، تهران)، «تمدن» (۱۹۰۷م، هفتگی، تهران)، «صبح صادق» (۱۹۰۷م، روزانه، تهران)، «حبل‌المتین» (۱۹۰۷م، روزانه، تهران)، «صوراسرافیل» (۱۹۰۷م، هفتگی، تهران)، «روح‌القدس» (۱۹۰۷م، هفتگی، تهران)، «مساوات» (۱۹۰۷م، هفتگی، تهران)، «انجمن» (۱۹۰۶م، روزانه، تبریز)، «مجاهد» (۱۹۰۷م، سه روز در هفته، تبریز)، «نسیم شمال» (۱۹۰۷م، هفتگی، رشت)، «ناقور» (۱۹۰۸م، هفتگی، اصفهان)، «ندای اسلام» (۱۹۰۷م، هفتگی، شیراز)، «الفت» (۱۹۰۷م، هفتگی، همدان)، «فریاد» (۱۹۰۷م، هفتگی، ارومیه)، «کرمانشاه» (۱۹۰۹م، هفتگی، کرمانشاه)، «یادگار انقلاب» (۱۹۰۹م، هفتگی، قزوین)، «مکافات» (۱۹۰۹م، هفتگی، خوی) و «معرفت» (۱۹۰۸م، هفتگی، یزد).

همچنین از روزنامه‌های فارسی داخلی و خارجی سیاسی فکاهی این دوره می‌توان از «آذربایجان» (۱۹۰۷م، هفتگی، تبریز)، «زشت و زیبا» (۱۹۰۷م، هفتگی، تهران)، «کشکول» (۱۹۰۷م، هفتگی، تهران) و «ملانصرالدین» (۱۹۰۷م، هفتگی، تفریس) نام برد.^(۹۵)

این امر رشد قابل توجه مطبوعات در شهرهای مختلف ایران را نشان می‌دهد؛ به طوری که قبل از پیروزی دوره اول انقلاب مشروطه، تنها پنج شهر در ایران - به غیر از تهران - روزنامه داشتند؛ اما بعد از اعلام مشروطه، تعداد شهرهای دارای روزنامه به پانزده رسید و بعضی از شهرهای بزرگ مثل تبریز و رشت، چند روزنامه روزانه و هفتگی داشتند.^(۹۶)

شایان ذکر است با تشکیل نخستین مجلس شورای ملی (قوه مقننه)، تکلیف مطبوعات و آزادی مطبوعات در قانون اساسی (اصل سیزدهم^(۹۷)) و متمم قانون اساسی (اصل بیستم^(۹۸)) و نخستین قانون مطبوعات ایران^(۹۹) مشخص شد. تیریزی‌ها با توجه به شرایط به وجود آمده بعد از صدور فرمان مشروطه، برای نخستین بار در ایران از حقوق شهروندی استفاده کردند و بدون مجوز دولتی، مطبوعات منتشر نمودند.^(۱۰۰)

- اطلاع‌رسانی فعالیت‌های انجمن‌های ملی

یکی از اقدامات مجلس پس از صدور فرمان مشروطه، گشایش انجمن‌های ملی در شهرهای مختلف ایران بود تا امور داخلی هر شهر را به دست مردم سپرده شود. در این جهت تعامل مناسبی بین مطبوعات و انجمن‌های ملی به وجود آمد و یکی از کارکردهای وسایل ارتباطات اجتماعی به خوبی نمایان شد؛ به طوری که تشکیل هر انجمنی، تأسیس روزنامه‌ای را نیز به دنبال داشت تا اخبار و مذاکرات و مباحثات انجمن را به اطلاع مردم برساند. از سوی دیگر، توجه افکار عمومی به مذاکرات و تصمیمات انجمن‌ها، گسترش مطبوعات را بیش از پیش تشویق می‌کرد. آزادی مطبوعات به تشکیل انجمن‌ها منتهی می‌شد، و تشکیل انجمن‌ها به گسترش و نمو مطبوعات می‌انجامید. در واقع، دو عامل مهم توسعه وسایل ارتباط اجتماعی این است که مخاطبان به منبع این‌گونه ارتباطات اجتماعی اعتماد داشته باشند و مشارکت آزاد خود را در امور سیاسی کشور احساس کنند.^(۱۰۱)

- عرضه دیدگاه‌های گوناگون

محتوای بسیاری از مطبوعات که دوره اول انقلاب مشروطه در خدمت حرکت اجتماعی بودند و صحنه انعکاس اندیشه‌ها و عقاید مختلف مردم محسوب می‌شدند، در دوره دوم به میدان جنگ قلمی نیز مبدل شدند و حتی برای نخستین بار عالمان دینی مباحث حوزوی و تفاوت دیدگاه‌های خود را به مطبوعات کشاندند. از سوی دیگر، فضای باز مطبوعاتی دچار درگیری شخصی روزنامه نگاران با هم نیز شد.^(۱۰۲)

به عبارتی مطبوعات دوره دوم انقلاب مشروطه را باید مطبوعات مسلکی نامید که روزنامه‌نگار، نقش مبارز را داشت و صفحات روزنامه محل و منبع هدف‌های اجتماعی و سیاسی محسوب می‌شد و انتخاب مطالب و اخبار در آنها، رابطه مستقیم با هدف مبارزه داشت.^(۱۰۳)

- پشتیبانی تبلیغاتی مبارزان علیه استبداد صغیر

در جریان دوره دوم انقلاب مشروطه قانون مطبوعات مصوب مجلس شورای ملی، محمدعلی شاه را قانع نکرد. جدال او و مطبوعات، آینه مبارزه وی با مشروطه‌خواهان و آزادیخواهان بود. در اوایل تابستان ۱۲۸۷ ش / ۱۹۰۸ م محمدعلی شاه اخراج و توقیف عده‌ای از نویسندگان و خطیبان آزادی‌خواه را خواستار شد. پافشاری او برای انحلال گارد فدائیان ملی که در تهران و شهرستان‌ها از جوانان داوطلب برای مشروطه تشکیل شده بود، وضع داخلی ایران را تاریک کرد و این التیماتوم، در حقیقت مقدمه کودتای او علیه مشروطه بود. از سوی دیگر، به دلیل این که ارتباط بین نمایندگان مجلس و انجمن‌های ملی شهرستان‌ها اغلب با تلگراف برقرار می‌شد، محمدعلی شاه تصمیم گرفت تلگراف‌خانه را در تهران تحت کنترل قرار دهد و در ضمن، قوای نظامی را برای مبارزه با پیشامدها و حوادث ناگهانی بسیج کند. این وضع ادامه

داشت و رابطه وی با ملّی‌ها به تدریج تیره‌تر می‌شد، که لیاخوف روسی به فرماندهی سپاه شاه منصوب شد و او عده‌ای از آزادی‌خواهان و از جمله روزنامه‌نگاران را دستگیر کرد.

اولتیماتوم شاه برای توقیف عده‌ای از وکلا و بیش‌تر روزنامه‌نویسان، از طرف مجلس شورای ملی رد شد و محمدعلی شاه که موقع را مناسب تشخیص داده بود، با حمایت گروه قزاق روسی و به فرماندهی سرهنگ لیاخف، مجلس شورای ملی را بمباران و بهارستان را محاصره کرد. در تهران حکومت نظامی اعلام شد و دفتر روزنامه‌های ملی مورد حمله قشون محمدعلی شاه قرار گرفت و روزنامه‌نگاران تهرانی دستگیر یا اعدام شدند و یا عمدتاً به شهرهای دیگر - بویژه تبریز و رشت - فرار کردند.^(۱۰۴)

در ادامه این روند، تبریز نیز از طرف قشون روسیه محاصره شد و روزنامه‌های محدودی که در تبریز باقی مانده بودند، حلقه زنجیر ارتباط اجتماعی را بین آزادی‌خواهان و اهالی شهر پدید آوردند.^(۱۰۵)

به هر حال، در اواخر سال ۱۲۸۷ش (اوایل ژانویه ۱۹۰۹م) خبر مقاومت تبریزی‌ها به وسیله روزنامه‌ها، مسافران و حتی سربازان، به گوش اهالی شیراز، همدان، مشهد و بوشهر رسید و روزنامه‌نگاران این شهرها مردم را به بسیج و مقاومت علیه قوای تهران تشویق کردند؛ به طور مثال سیدحسن کاشانی مدیر روزنامه «حبل‌المتین» که پس از واقعه تهران به قفقاز فرار کرده بود، پس از مدتی به رشت بازگشت و با انتشار روزنامه در آن شهر مبارزه خود را تجدید کرد. به مدت کوتاهی، دیگر روزنامه‌نویسان مهاجر ایران که از تهران گریخته بودند، در شهرهای بزرگ کشورهای همسایه مشغول فعالیت مطبوعاتی و هم‌سوئی بیش از پیش با فدائیان ملی شدند. تا این‌که نهایتاً در اواسط بهار ۱۲۸۸ش/۱۹۰۹م، وضع سیاسی داخل ایران رو به دگرگونی گذاشت.

انقلابی‌ها و آزادی‌خواهان؛ شهرهای تبریز، اصفهان و رشت را به تصرف درآوردند و به سوی تهران حرکت کردند و سرانجام در اواخر تیرماه همان سال قوای آنان وارد تهران شد و پس از زد و خورد در خیابان‌ها، شهر را به تصرف درآورد، و محمدعلی شاه به سفارت روس پناه برد. پناهندگی او به سفارت روسیه، در حقیقت سند تبعید او بود و چند روز بعد مجلس و شورای عالی انقلابیون در تهران او را از سلطنت عزل کرده و احمدشاه، پسر سیزده ساله‌اش را به سلطنت برگزیدند. عضدالملک، رئیس طایفه قاجاریه نیز، به سمت نایب السلطنه منصوب شد و بدین ترتیب دوره استبداد محمدعلی شاه خاتمه یافت و در پاییز، انتخابات دوره جدید مجلس شورای ملی نیز انجام شد. پس از این وقایع وضع مطبوعات انقلابی ایران کم‌کم به حال عادی بازگشت و به گونه‌ای دیگر توسعه پیدا کرد.^(۱۰۶)

ج) آسیب‌ها

روزنامه‌نگاری حرفه‌ای در ایران که به واقع با انقلاب مشروطه رشد کرد و توسعه یافت، با آسیب‌هایی هم همراه بوده است که ریشه تاریخی برخی چالش‌های فضای روزنامه‌نگاری و ارتباطات اجتماعی گذشته و فعلی کشور، به نوعی با مسایل دوره مذکور ارتباط پیدا می‌کند؛ از این رو در ادامه، برخی از آسیب‌های زیرساخت مطبوعاتی انقلاب مشروطه بویژه در دوره دوم آن - ارایه می‌شود.

۱. ورود استفاده‌کنندگان ابزاری به حرفه روزنامه‌نگاری

یکی از آسیب‌های زیرساخت مطبوعاتی انقلاب مشروطه، ورود استفاده‌کنندگان ابزاری - بویژه آنان که سودای ریاست و تجارت در سر می‌پروراندند - به مطبوعات و حرفه روزنامه‌نگاری بود که برای اهل حرفه و مردم، هزینه‌گرافی به دنبال داشت. با کمال تاسف این میهمانان ناخوانده در سرنوشت روزنامه‌نگاری ایران بیش‌ترین تاثیر را به جا گذاردند. چنانچه مردم در ایران روزنامه را به عنوان «حزب کاغذی سکوی پرش، پل، دالان عبور، نردبان ترقی، سپر بلا و معبر» شناخته و روزنامه، «کلپ، پناهگاه و سنگر» ورشکستگان سیاسی و تجاری منتظران ریاست شد.^(۱۰۷)

۲. روزنامه‌نگاری هتّا‌کانه و غیر دوراندیشانه

روزنامه‌نگاری هتّا‌کانه و غیر دوراندیشانه - از دیگر آسیب‌های زیرساخت مطبوعاتی انقلاب مشروطه به شمار می‌رود. گفتنی است انتقاد از هتّا‌کی، هرج و مرج افکنی و لجام‌گسیختگی برخی از روزنامه‌ها، فقط به شیخ فضل‌الله نوری و یاران وی اختصاص ندارد؛^(۱۰۸) به طوری که مجدالاسلام کرمانی که خود از روزنامه‌نگاران هوادار مشروطه است، در تحلیلی یکی از علل و موجبات سقوط مجلس شورای صدر مشروطه را هتّا‌کی برخی روزنامه‌ها اعلام می‌کند و می‌گوید:

... افسوس که بعضی از آنها [روزنامه‌ها] مسلک خودشان را هتّا‌کی قرار دادند و چیزها نوشتند که در هیچ روزنامه از روزنامه‌های آزاد، چنین مطلب دیده و خوانده نشده است...^(۱۰۹)

یا مخبرالسلطنه که از بانیان و فعالان مشروطه بود، اظهار می‌کند:

[برخی] روزنامه جات، به اغراض گوناگون، آبرو برای کسی باقی نگذارند. اگر احیاناً حقیقتی یا دردی را موضوع مقاله قرار می‌دادند، لهجه زشت و ظهور دمرهای خروس، اصل منظور را از بین می‌برد. معلوم نبود از زبان کی سخن می‌گویند.^(۱۱۰)

و سرانجام از دیگر مصداق‌های هتّا‌کی برخی مطبوعات می‌توان به توهین به علما و احکام الهی اشاره کرد که متأسفانه محتوای برخی روزنامه‌های مدعی آزادی دوران انقلاب مشروطه را پر ساخته بود. چنانچه روزنامه فکاهی «ملانصرالدین» که مخاطب زیادی نیز داشت به طنز و تمسخر نوشته بود:

بیش‌تر نمایندگان مجلس ایران، از ملایان هستند؛ زیرا در قانون ایشان برای نماینده، دانش را شرط ندانسته‌اند.^(۱۱۱)

۳. ترویج افکار سکولار

افزایش مطبوعات ترویج دهنده افکار سکولار، از دیگر آسیب‌های زیرساخت مطبوعاتی انقلاب مشروطه به شمار می‌رود. یکی از محققان در این زمینه می‌نویسد:

مطبوعات سکولار نمی‌خواستند مسأله اصلی که اسلام و غرب است را مطرح کنند و مداوم شیخ فضل‌الله نوری و علمای اصول‌گرا را متهم به ارتجاع و استبداد می‌کردند.^(۱۱۳)

وی می‌افزاید:

علی‌رغم هیاهوهای بسیار در مورد استقلال جریان روشن‌فکری از دولت و استبداد، می‌بینیم که نوعی آلودگی در طرفداران اندیشه ترقی به سبک غرب در ایران وجود داشته است.^(۱۱۳)

این نویسنده معتقد است:

نکته مهم این‌جا است که این‌ها [غرب‌گراها] صورت بحث را عوض کردند و نگذاشتند حساسیت‌های ملی و دینی در مسیر درست خود حرکت کند. متولی آزادی و جامعه مشروطه و کدخدای ده شدند. پس آمدند برای از میدان به دردن اصول‌گراها و دینداران، چماق آزادی و قانون را به سر دین و دینداران زدند و جناح اصول‌گرا را متهم کردند به نوعی ارتجاع و طرفدار خشونت و طرفدار استبداد و ضد قانون و آزادی، و این برای آن بود که از مسأله اصلی که اسلام و غرب و یا به تعبیر شیخ فضل‌الله، اسلام و بدعت بود، فرار کنند.^(۱۱۴)

در این جهت می‌توان به تبلیغ آثار میرزا ملکم‌خان (بنیان‌گذار فراموش‌خانه فراماسونری در ایران)، تبلیغ سوسیالیست‌ها و ترویج افکار لیبرال در حزب سوسیالیست فرانسه در برخی روزنامه‌ها اشاره کرد.^(۱۱۵)

۴. سانسور مسلکی

سانسور مسلکی از آسیب‌های دیگر زیرساخت مطبوعاتی مشروطه محسوب می‌شود. در این زمینه گفته شده است:

در نگاه خوش‌بینانه اولیه، این طور است که همه چیز آزاد بوده است و عنصر آزادی خواه سکولار، طرح افکار مختلف را استقبال می‌نموده است؛ ولی با کمی دقت در فضای دوره مشروطه می‌بینیم که مسأله به این راحتی و سادگی نیست و پشت پرده رخدادهایی بوده است، که این مهم چند مشخصه دارد:

اول: بزرگ و کوچکی مسایل را جریان انجمن‌های سری آزادی خواه کنترل می‌کرد؛

دوم: حساسیت‌ها را مطابق سلیقه خودشان تنظیم می‌کردند و به مردم می‌دادند؛

سوم: سیطره کمیت گرایمی. اگر پنج نفر بودند، پنج روزنامه درست می کردند و يك مطلب را پنج بار تکرار می کردند. آیا واقعاً اگر مطلبی به طور طبیعی بایستی يك بار مطرح شود، وقتی پنج بار طرح شود، حساسیت کاذب و فشار تبلیغاتی و جو روانی درست نمی کند؟

اما نکته مهم این جا است که این ها علی رغم چماق آزادی و توپیر افکار، گاه اصل مطالبی را که به ضررشان بوده است، سانسور می کردند و هر کس هم جرات نمی کرد وارد حریم سانسور آنان شود و اگر آنان به مطلبی حساس بودند کسی حق انتشار نداشت».^(۱۱۴)

جدول شمار ۱: مقایسه تاریخ و تعداد روزنامه های قرن نوزدهم و دوره های اول و دوم انقلاب مشروطه و بعد از آن که در داخل کشور به چاپ می رسید:

محل انتشار	تعداد روزنامه های منتشر شده بین ۱۲۱۶ تا ۱۲۷۹ ش (۱۸۳۷ - ۱۹۰۰ م)	تعداد روزنامه های منتشر شده بین ۱۲۷۹ تا ۱۲۸۵ ش (۱۹۰۰ - ۱۹۰۶ م)	تعداد روزنامه های منتشر شده بین ۱۲۹۱ تا ۱۳۸۵ ش (۱۹۱۲ - ۱۹۰۶ م)
تهران	29	16	128
بریز	9	17	29
رشت	-	-	27
اصفهان	1	2	17
شیراز	1	-	8
مشهد	-	2	7
یزد	-	-	5
همدان	-	1	5
ارومیه	3	-	4
خوی	-	-	4
قزوین	-	-	4
کرمان	-	-	3
کاشان	-	-	2
لاهیجان	-	-	2

بندر انزلی	-	-	1
کرمانشاه	-	-	1
بوشهر	-	2	-
جمع	43	40	247

جدول شماره ۲: مقایسه تاریخ و تعداد روزنامه‌های قرن نوزدهم و دوره‌های اول و دوم انقلاب مشروطه و بعد از آن به زبان فارسی که در خارج کشور به چاپ می‌رسید:

محل انتشار	تعداد روزنامه‌های منتشر شده بین ۱۲۱۶ تا ۱۲۷۹ ش (۱۸۳۷ - ۱۹۰۰ م)	تعداد روزنامه‌های منتشر شده بین ۱۲۸۵ تا ۱۲۹۱ ش (۱۹۰۶ - ۱۹۱۲ م)	تعداد روزنامه‌های منتشر شده بین ۱۲۷۹ تا ۱۲۸۵ ش (۱۹۰۰ - ۱۹۰۶ م)
کلکته	7	-	-
بمبئی	4	1	2
قاهره	3	2	-
استانبول(قسطنطنیه)	2	-	1
دهلی	1	-	-
پاریس	1	-	1
حیدرآباد	1	-	1
لندن	1	2	-
علیگر (هند)	1	-	-
کراچی	1	-	-
باکو	-	1	1
اسکندریه	-	1	-
عشق آباد	-	1	-
بغداد	-	-	1
بخارا	-	-	1
واشنگتن	-	-	1
کابل	-	-	1

سوئیس	-	-	1
مکه	-	-	1
نجف	-	-	1
جمع	8	22	13

کتابنامه

۱. قرآن مجید.

۲. آرلی، جان، ای، به سوی سیاست‌های ارتباطی واقع‌بینانه، ترجمه خسرو جهان‌داری، تهران، سروش، ۱۳۵۶ ش.

۳. آشنا، حسام‌الدین و حسین رضی، «بازنگری نظریه‌های هنجاری رسانه‌ها و ارایه دیدگاهی اسلامی»، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، ش چهارم، تابستان ۱۳۷۶ ش.

۴. آقابخش، علی و مینو افشاری‌راد، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، ۱۳۷۴ ش.

۵. ابوالحسنی، علی، دیده‌بان، بیدار!، دیدگاه‌ها و مواضع سیاسی و فرهنگی شیخ فضل‌الله نوری، تهران، عبرت، ۱۳۸۰ ش.

۶. اسدی، علی، افکار عمومی و ارتباطات، تهران، سروش، ۱۳۷۱ ش.

۷. اسماعیلی، محسن، قانون مطبوعات و سیر تحول آن در حقوق ایران، تهران، سروش، ۱۳۷۹ ش.

۸. بیات، کاوه و مسعود کوهستانی‌نژاد، اسناد مطبوعات (۱۲۸۶-۱۳۳۰ ش)، تهران، سازمان اسناد ملی ایران (دوره دو جلدی)، ۱۳۷۲ ش.

۹. پناهی، محمدحسین، «بررسی زمینه‌ها و اهداف انقلاب اسلامی ایران بر اساس شعارهای انقلاب اسلامی»، فصلنامه علوم اجتماعی، ش ۱۱، ۱۲، تابستان ۱۳۷۹ ش.

۱۰. پیرنیا، حسن و عباس اقبال آشتیانی، تاریخ ایران از آغاز تا انقراض قاجاریه، به کوشش محمد دبیر سیاقی، تهران، کتاب‌خانه خیام، ۱۳۵۶ ش.

۱۱. خانیکی، هادی، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی ارتباطی، تهران، تقریرات درسی در دانشکده صدا و سیما (دوره کارشناسی ارشد)، ۱۳۷۹ ش.

۱۲. خلیفانی، محرم، «نخستین مجلس، نخستین قانون، نخستین پایداری»، روزنامه ایران، ش ۲۴۷۲-۲۴۷۴، ۱۳۸۲.

۱۳. دفتر مقام معظم رهبری، سخنان حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در جریان دیدار مدیران ارشد سازمان صدا و سیما با ایشان در مورخه ۱۴/۱۱/۸۱، تهران، بخش انتشارات دفتر مقام معظم رهبری، ۱۳۸۱ش.
۱۴. راجرز، اورت ام و اف فلویید شومیکر، رسانش نو آوری‌ها، رهیافتی میان فرهنگی، ترجمه عزت‌الله کرمی و ابوطالب فنایی، شیراز، دانشگاه شیراز، ۱۳۷۹ش.
۱۵. صافی، قاسم، از چاپخانه تا کتابخانه، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۸ش.
۱۶. فرقانی، محمدمهدی، «آگهی خدمت عمومی؛ ظرفیتی ناشناخته در ارتباطات توسعه»، فصلنامه علوم اجتماعی، ش ۱۱، تابستان ۱۳۷۹ش.
۱۷. قاسمی، سیدفرید، مطبوعات ایران در قرن بیستم، تهران، قصه، ۱۳۸۰ش.
۱۸. کازنو، ژان، جامعه‌شناسی وسایل ارتباط جمعی، ترجمه باقر ساروخانی و منوچهر محسنی، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۷ش.
۱۹. کدی، نیکی آر، ایران دوران فاجار و برآمدن رضاخان، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، تهران، ققنوس، ۱۳۸۱ش.
۲۰. کسرایبی، محمدسالار، چالش سنت و مدرنیته در ایران از مشروطه تا ۱۳۲۰، تهران، مرکز، ۱۳۷۹ش.
۲۱. محسنیان‌راد، مهدی، ارتباط جمعی و توسعه روستایی، تهران، معاونت ترویج و مشارکت مردمی وزارت جهادسازندگی، ۱۳۷۴ش.
۲۲. _____، ارتباط‌شناسی، تهران، سروش، ۱۳۷۸.
۲۳. _____، «انتقاد در مطبوعات و وضعیت آن در ایران»، فصلنامه علوم اجتماعی، ش ۱۰، تابستان ۱۳۷۷، ۱۳۷۷ش.
۲۴. _____، انقلاب، مطبوعات و ارزش‌ها، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۷۵ش.
۲۵. معتمدنژاد، کاظم، ارتباطات توسعه و توسعه ارتباطات در ایران (نقش ارتباطات در پیش‌برد برنامه‌های توسعه ملی و اهمیت برنامه‌ریزی برای توسعه ارتباطی)، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۷۵ش.
۲۶. _____، «مقام و مسؤولیت روزنامه‌نگاران در پیشرفت جامعه ایران»، فصلنامه رسانه، ویژه‌نامه آموزشی ۱، ۱۳۷۳ش.
۲۷. _____، وسائل ارتباط جمعی، ج ۱، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۷۱ش.
۲۸. مولانا، حمید، سیر ارتباطات اجتماعی در ایران، تهران، دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی، ۱۳۵۸ش.

۲۹. —، گذر از نوگرایی، ترجمه یونس شکرخواه، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۷۲ش.

۳۰. نجفی، موسی، مطبوعات سیاسی ایران پس از انقلاب مشروطه، جزوه درسی دانشکده علوم سیاسی و معارف اسلامی دانشگاه امام صادق، ۱۳۷۷ش.

۳۱. ویندال، سون و همکاران، کاربرد نظریه‌های ارتباطات، ترجمه علیرضا دهقان، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۷۶ش.

۱. Change Social.

۲. Structure.

۳. Function.

۴. System Social.

۵. Revolution.

۶. راجرز و شومیکر، رسانش نوآوری‌ها، رهیافتی میان فرهنگی، ترجمه عزت‌الله کرمی و ابوطالب فنایی، ص ۹ - ۱۱.

۷. Horton.

۸. Revolution Social.

۹. Schurmann.

۱۰. Schell.

۱۱. Huntington.

۱۲. Values.

۱۳. مهدی محسنیان راد، انقلاب، مطبوعات و ارزش‌ها، ص ۳۹-۴۰.

۱۴. همان، ص ۴۳-۴۷.

۱۵. محمد حسین پناهی، «بررسی زمینه‌ها و اهداف انقلاب اسلامی ایران بر اساس شعارهای انقلاب اسلامی»، فصلنامه اجتماعی، ش ۱۲۱۱، ص ۶۴.

۱۶. مهدی محسنیان راد، انقلاب، مطبوعات و ارزش‌ها، ص ۱۱.

۱۷. دفتر مقام معظم رهبری، سخنان حضرت آیت الله خامنه‌ای در جریان دیدار مدیران ارشد سازمان صدا و سیما با ایشان، مورخه ۸۱/۱۱/۱۴.

۱۸. مهدی محسنیان راد، انقلاب، مطبوعات و ارزش‌ها، ص ۵۲-۶۳.

۱۹. نیکی آکدی، ایران دوران قاجار و برآمدن رضاخان، ترجمه مهدی حقیقت خواه، ص ۳۱-۳۲.

۲۰. حمید مولانا، سیر ارتباطات اجتماعی در ایران، ص ۴۴-۷۷.

۲۱. همان، ص ۱۲۸ و مهدی محسنیان راد، انقلاب، مطبوعات و ارزش‌ها، ص ۶۹.

۲۲. Sociales Communications.

۲۳. بر اساس بررسی و طبقه‌بندی پروفسور روژه کلووس بلژیکی، از متخصصان مشهور علوم ارتباطات اجتماعی، این اصلاحات شامل ارتباط توده‌ای (Mass Communication)، ارتباط اجتماعی (Communication Sociale)، وسایل توده‌ای (Mass Media) و... می‌شود.

۲۴. Communication.

۲۵. Sociale.

۲۶. Mass.

۲۷. کاظم معتمدنژاد، وسایل ارتباط جمعی، ص ۹۶-۱۰۲.

۲۸. Gutenberg.

۲۹. Mc Luhan.

۳۰. همان، ص ۱۳۱.

۳۱. همان، ص ۲۲۴.

۳۲. محسن اسماعیلی، قانون مطبوعات و سیر تحول آن در حقوق ایران، ص ۲۳-۲۶.

۳۳. کاظم معتمدنژاد، وسایل ارتباط جمعی، ص ۷۶-۸۱.

۳۴. همان، ص ۸۱ و ۱۳۲.

۳۵. همان، ص ۱۳۱-۱۳۴ و محمد مهدی فرقانی، «آگهی خدمت عمومی؛ ظرفیتی ناشناخته در ارتباطات توسعه»، فصلنامه علوم اجتماعی، ش ۱۲۱۱، ص ۸۷.

۳۶. کاظم معتمدنژاد، وسایل ارتباط جمعی، ص ۱۳۱-۱۳۲.

.Function .۳۷

.۳۸. کاظم معتمدنژاد، وسائل ارتباط جمعی، ص ۹ و ۲۲.

.Opinion Public .۳۹

.۴۰. علی اسدی، افکار عمومی و ارتباطات، ص ۱۷۴.

.Innovation .۴۱

.Knowledge .۴۲

.Persuasion .۴۳

.Decision .۴۴

.Confirmation .۴۵

.۴۶. راجرز و شومیکر، رسانش نوآوری‌ها، رهیافتی میان فرهنگی، ترجمه عزت الله کرمی و ابوطالب فنایی، ص ۱۱۱-۱۱۵ و ۲۶۹-۲۸۵.

.Cazeneu .۴۷

۴۸. حسام‌الدین آشنا و حسین رضی، «بازنگری نظریه‌های هنجاری رسانه‌ها و آرایه دیدگاهی اسلامی»، فصلنامه پژوهشی دانشگاه، ص ۲۱۱-۲۱۴

۴۹. مهدی محسنیان‌راد، انتقاد در مطبوعات و وضعیت آن در ایران، ص ۱۸.

۵۰. Sloan.

۵۱. مهدی محسنیان‌راد، انتقاد در مطبوعات و وضعیت آن در ایران، ص ۱۸-۱۹.

۵۲. همان، ص ۲۳.

۵۳. همان، ص ۲۱-۲۲.

۵۴. Mc.Quail.

۵۵. همان، ص ۴۱.

۵۶. همان، ص ۴۰-۴۳.

۵۷. کاظم معتمدنژاد، وسائل ارتباط جمعی، ص ۲۲-۲۳.

۵۸. Lasswell

۵۹. مهدی محسنیان‌راد، ارتباط‌شناسی، ص ۲۳-۲۵.

۶۰. حمید مولانا، سیر ارتباطات اجتماعی در ایران، ص ۱۳۸.

۶۱. همان، ص ۱۸.

۶۲. همان، ص ۱۸-۱۹.

۶۳. همان، ص ۲۷-۲۸.

۶۴. مهدی محسنیان‌راد، ارتباط‌شناسی، ص ۴۹۸.

۶۵. حمید مولانا، سیر ارتباطات اجتماعی در ایران، ص ۳۰-۳۱ و مهدی محسنیان‌راد، ارتباط شناسی، ص ۴۸۸.
۶۶. همان، ص ۳۹.
۶۷. همان، ص ۳۴-۳۵.
۶۸. همان، ص ۳۷.
۶۹. همان، ص ۴۱-۴۴.
۷۰. Newspaper.
۷۱. همان، ص ۴۴-۴۵ و ۲۲۶-۲۲۷ و مهدی محسنیان‌راد، ارتباط شناسی، ص ۴۹۸.
۷۲. Weekly News در سال ۱۶۲۲ م.
۷۳. حمید مولانا، سیر ارتباطات اجتماعی در ایران، ص ۳۳ و ۴۶ و ۲۲۷ و مهدی محسنیان‌راد، ارتباط شناسی، ص ۶۹۸.
۷۴. حمید مولانا، سیر ارتباطات اجتماعی در ایران، ص ۵۷.
۷۵. همان، ص ۷۱ و محسن اسماعیلی، قانون مطبوعات و سیر تحول آن در حقوق ایران، ص ۱۶-۱۷.
۷۶. همان، ص ۷۹-۸۰ و ۹۰.
۷۷. حمید مولانا، سیر ارتباطات اجتماعی در ایران، ص ۹۴-۹۷.
۷۸. همان، ص ۹۴-۱۱۰.
۷۹. همان، ص ۱۰۴-۱۰۶.
۸۰. همان، ص ۱۰۹-۱۱۰.
۸۱. همان، ص ۱۱۵.
۸۲. همان، ص ۸۰.
۸۳. همان، ص ۱۲۶.

۸۴. رك: جدول ش ۱ در انتهای مقاله.

۸۵. حمید مولانا، سیر ارتباطات اجتماعی در ایران، ص ۱۳۰.

۸۶. رك: جدول ش ۲ در انتهای مقاله.

۸۷. حمید مولانا، سیر ارتباطات اجتماعی در ایران، ص ۱۱۱-۱۳۳.

۸۸. سید فرید قاسمی، مطبوعات ایران در قرن بیستم، ص ۲۳.

۸۹. حمید مولانا، سیر ارتباطات اجتماعی در ایران، ص ۱۲۱-۱۲۲.

۹۰. همان، ص ۱۱۱-۱۱۲.

۹۱. همان، ص ۱۲۹.

۹۲. همان، ص ۱۲۸-۱۲۹.

۹۳. همان، ص ۱۲۶.

۹۴. همان، ص ۱۲۸-۱۳۹؛ مهدی محسنیان راد، انقلاب، مطبوعات و ارزش‌ها، ص ۶۵ و ۶۷ و ۶۸ و سید فرید قاسمی، مطبوعات ایران در قرن بیستم، ص ۲۳ و ۲۵-۲۶.

۹۵. حمید مولانا، سیر ارتباطات اجتماعی در ایران، ص ۱۴۱ و ۱۵۵-۱۵۶.

۹۶. جدول ش.۱.

۹۷. مجلس اول مشروطه پس از نوشتن نظامنامه داخلی، مهم‌ترین مسؤلیت پیش‌روی خود را که تدوین قانون اساسی بود، دنبال کرد و عجله زیادی به خرج داد تا قبل از فوت مظفرالدین شاه، آن را به امضای وی برساند. سرانجام قانون اساسی در ۵۱ اصل تدوین شد و در هشتم دی ماه ۱۲۸۵ ش (۱۴ ذی‌قعدة ۱۳۲۴ ق) به امضای مظفرالدین شاه رسید. در اصل سیزدهم آن، تکلیف مطبوعات چنین روشن شده است: «... عموم روزنامجات، مادامی که مندرجات آنها مٌخل اصلی از اصول سیاسیه دولت و ملت نباشد، مجاز و مختارند که مطالب مفید و عام المنفعه، همچنان مذاکرات مجلس و صلاح اندیشی خلق را بر آن مذاکرات به طبع رسانیده، منتشر نمایند و اگر کسی در روزنامجات و مطبوعات بر خلاف آنچه ذکر شده و به اغراض شخصی چیزی طبع نماید یا تهمت و افترا بزند، قانوناً مورد استنطاق و محاکمه و مجازات خواهد شد». (سید فرید قاسمی، مطبوعات ایران در قرن بیستم، ص ۲۵-۲۶ و کاظم معتمدنژاد، ارتباطات توسعه و توسعه ارتباطات در ایران، ص ۱۴-۱۵).

۹۸. بعد از مرگ مظفرالدین شاه در ۱۸ دی ماه ۱۲۸۵ ش و تاج‌گذاری محمدعلی شاه در ۲۸ دی، به دلیل چالش‌های به وجود آمده بین مجلس و دربار، طرح تکمیل قانون اساسی در مجلس مطرح شد و محمدعلی شاه پس از کشمکش

فراوان، به درخواست نمایندگان تن داد و سرانجام متمم قانون اساسی در ۱۰۷ اصل به تصویب مجلس رسید و در ۱۵ مهرماه ۱۲۸۶ ش (۲۹ شعبان ۱۳۲۵ ق) محمدعلی شاه علی‌رغم میل باطنی آن را امضا کرد.

در متمم قانون اساسی مشروطه در چند مورد با وسعت نظر به مسأله مطبوعات نگریسته شد، چنانچه در اصل بیستم آن صراحتاً بر آزادی مطبوعات تأکید شده است. سید فرید قاسمی، مطبوعات در ایران قرن بیستم، ص ۳۲) و در آن آمده:

«عامه مطبوعات [هر گونه مواد چاپی] غیر از کتب ضلال و مواد مضره به دین مبین، آزاد و ممیزی در آنها ممنوع است. هر گاه چیزی مخالف قانون مطبوعات در آنها مشاهده شود: نشر دهنده یا نویسنده، بر طبق قانون مطبوعات مجازات می‌شود ولی اگر نویسنده، معروف و مقیم ایران باشد، ناشر و طابع و موزع از تعرض مصون هستند». همچنین در متمم قانون اساسی، حضور هیأت منصفه در رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی به رسمیت شناخته شد. (محسن اسماعیلی، قانون مطبوعات و سیر تحول آن در حقوق ایران، ص ۲۰)

۹۹. قانون از نظر اصطلاحات حقوقی، تنها به مقرراتی اطلاق می‌شود که با گذراندن مراحل خاصی به تصویب قوه مقننه (مجلس قانون گذاری) رسیده باشد؛ از این رو تا حدود ۶۹ سال بعد از انتشار نخستین روزنامه در ایران؛ یعنی «کاغذ اخبار» در سال ۱۲۱۶ ش (۱۲۵۳ق / ۱۸۳۷م)، که در کشورمان چیزی به عنوان مجلس وجود نداشت، مطبوعات داخلی ایران که عمدتاً دولتی نیز بودند، بدون داشتن قانون مطبوعات فعالیت می‌کرده‌اند و تنها الزامات حکومتی برای فعالیت‌های مطبوعاتی و روزنامه‌نگاران وجود داشت؛ به طوری که در دوره حکومت ناصرالدین شاه در سال ۱۲۴۲ ش (۱۲۸۰ ق / ۱۸۶۳ م) اداره مطبوعات داخلی در وزارت علوم تشکیل شد و هشت سال بعد نیز، وزارت انطباعات ایجاد گردید.

حدود يك و نیم سال پس از تشکیل نخستین مجلس قانون گذاری در کشور؛ یعنی در ۱۸ اسفند ۱۲۸۶ ش (پنجم محرم ۱۳۲۶ ق) نخستین قانون مطبوعات کشور به تصویب رسید که مقصود آن، هر گونه مواد چاپی بوده است. قانون مذکور دارای يك مقدمه و شش فصل (چاپخانه و کتابفروشی، طبع کتب، روزنامه جات مقرر، اعلانات، حدود تقصیر نسبت به جماعت و محاکمه) در قالب ۵۳ ماده بوده است (محسن اسماعیلی، قانون مطبوعات و سیر تحول آن در حقوق ایران، ص ۱۹، ۲۱).

در قانون مذکور که با اقتباس از قانون مطبوعات ۲۹ ژوئیه ۱۸۸۱ م فرانسه، معروف به منشور آزادی مطبوعات تدوین شده بود، با تأکید بر آزادی عامه مطبوعات و ممنوعیت ممیزی در آنها، از پیش‌بینی لزوم صدور امتیاز برای انتشار روزنامه‌ها خودداری کرد، و با اکتفا به ارسال اعلام‌نامه یا اظهارنامه مطبوعات و تصریح انواع جرایم مطبوعاتی، [از منظر] [بستر نظام آزادی مطبوعات را پایه گذاری کرد (کاظم معتمد نژاد، «مقام و مسؤولیت روزنامه‌نگاران در پیشرفت ایران»، فصلنامه رسانه، ویژه نامه آموزش ۱، ص ۱۵).

در مقدمه این قانون، پس از نقل اصل بیستم متمم قانون اساسی، اضافه شده است :

«... مقرر می‌شود طبع کتب و روزنامه‌جات و اعلانات و لوایح در تحت قوانین مقرر، که از برای حفظ حقوق عموم و سد ابواب مضار از تجاوزات ارباب قلم و مطبوعات وضع می‌شود، آزاد است. هر کس بخواهد مطبعه را دایر نماید یا کتاب و جریده و اعلاناتی به طبع برساند یا مطبوعات را بفروشد، باید بدواً عدم تخلف از فصول این قوانین را نزد وزارت معارف، به التزام شرعی ملزوم و متعهد شود» (همان، ص ۱۶).

شایان ذکر است تدوین و تصویب نخستین قانون مطبوعات در پی اختلافات شدید مشروطه‌خواهان با محمدعلی شاه - بویژه بعد از قرارداد ۱۹۰۷ م روس و انگلیس و در خواست شاه وقت از مجلس برای مهار مطبوعات - با جدیت برخی از نخبگان به انجام رسید. البته مطابق این قانون، مطبوعات و نویسندگان از انتقاد علیه شاه و نشر مطالب مخالف مذهب اسلام منع شدند و برای مجرمان مطبوعاتی مجازات‌هایی وضع شد (حمید مولانا، سیر ارتباطات اجتماعی در ایران، ص ۱۴۸ - ۱۵۰).

۱۰۰. کاظم معتمدنژاد، ارتباطات توسعه و توسعه ارتباطات در ایران، ص ۱۴-۱۵.

۱۰۱. حمید مولانا، سیر ارتباطات اجتماعی در ایران، ص ۱۴۹-۱۵۰.

۱۰۲. سید فرید قاسمی، مطبوعات ایران در قرن بیستم، ص ۲۳-۳۱.

۱۰۳. حمید مولانا، سیر ارتباطات اجتماعی در ایران، ص ۱۵۲-۱۵۳ - سید فرید قاسمی، مطبوعات ایران در قرن بیستم، ص ۲۳-۳۲ و محمد مهدی فرقانی، «آگهی خدمت عمومی؛ ظرفیتی ناشناخته در ارتباطات توسعه»، فصلنامه عوم اجتماعی، ش ۱۲۱۱، ص ۸۷-۸۸.

۱۰۴. حمید مولانا، سیر ارتباطات اجتماعی در ایران، ص ۱۵۸-۱۵۹.

۱۰۵. همان، ص ۱۶۰-۱۶۱.

۱۰۶. همان، ص ۱۶۲-۱۶۳.

۱۰۷. سید فرید قاسمی، ص ۱۴-۱۵.

۱۰۸. علی ابوالحسنی، دیده‌بان، بیدار!؛ دیدگاه‌ها و مواضع سیاسی و فرهنگی شیخ فضل الله نوری، ص ۸۷.

۱۰۹. همان، ص ۸۷-۸۸.

۱۱۰. همان، ۱۳۸۰، ص ۹۱.

۱۱۱. همان، ۱۳۸۰، ص ۹۷-۹۸.

۱۱۲. موسی نجفی، مطبوعات سیاسی پس از انقلاب مشروطه، ص ۱۷.

۱۱۳. همان، ۱۳۷۷، ص ۲۵.

۱۱۴. همان، ص ۱۶.

۱۱۵. علی ابوالحسنی، دیده‌بان، بیدار! دیدگاه‌ها و مواضع سیاسی و فرهنگی شیخ فضل الله نوری، ص ۱۰۳.

۱۱۶. موسی نجفی، مطبوعات سیاسی ایران پس از انقلاب مشروطه، ص ۲۴-۲۵.